

عوامل داخلی مؤثر بر سیاست خارجی ایران در دوران ریاست جمهوری خاتمی

دکتر حسین هرسیج *

اعظم ملایی **

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۱/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶/۱/۱۷

چکیده

سیاست خارجی در عرصه روابط بین الملل، و تلقی آن به عنوان برونداد و یا فرایند، پیوندی است بین فعالیتهای درونی و محیط جهانی دولت. بدین معنا که در کنار ساختار نظام بین الملل و ویژگیهای آن، عوامل داخلی نیز در شکل دهی به سیاست خارجی نقش مهمی را ایفا می کنند. کشورها به لحاظ تاریخی، سازماندهی اجتماعی - اقتصادی و ساختار حکومتی متفاوت هستند، و این تفاوتها تأثیر مستقیمی بر جهتگیریهای سیاست خارجی آنها دارد. تحقیق حاضر با درک این مسأله که عوامل و متغیرهای داخلی در شکل گیری و حرکت آغازین سیاست خارجی مؤثرند و با استفاده از روشهای تحلیلی - تبیینی و سطح تحلیل خرد، به بررسی سیاست خارجی در دوران ریاست جمهوری خاتمی پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که خلق و نحو و نوع ساختار ذهنی تصمیم گیران، و به ویژه تأکید خاتمی بر توسعه ی سیاسی و جامعه ی مدنی در داخل، و تعدد مراکز و نهادهای تصمیم گیری در نظام سیاسی ایران از جمله عوامل داخلی مهمی بوده اند که اصول تنش زدایی و ایده ی گفتگوی تمدنها از سوی خاتمی را در عرصه ی سیاست خارجی تحت تأثیر قرار داده اند.

واژه های کلیدی: سیاست خارجی، سطح تحلیل، متغیرهای داخلی، نقش،

بازیگران غیر رسمی سیاست خارجی

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

** کارشناس ارشد علوم سیاسی، گرایش روابط بین الملل، از دانشگاه اصفهان

مقدمه

سیاست خارجی پلوی بین دو حوزه ی داخلی و بین المللی است. در حوزه ی داخلی، برعکس قدرت در صحنه ی بین المللی که حالت تباینی دارد، دولت تلاش دارد با ایجاد همگرایی و تعاونی کردن ماهیت و ابزار قدرت موجب اعتلای قدرت ملی شود. گاه منافع دو کشور با یکدیگر همگون، زمانی متفاوت و در برهه ای دیگر شاید متضاد باشد. بنا براین بر خلاف قاعده ی بازی حاصل جمع جبری مثبت در بازی قدرت تعاونی در داخل، بازی در صحنه ی بین المللی ممکن است به یکی از دو شکل حاصل جمع جبری صفر و یا مضاعف (تباینی، مختلف متضاد و همگن) در آید (سیف زاده، ۱۳۷۶: ۱۴). این مسأله بدین معناست که هر دو دسته عوامل داخلی و خارجی در شکل دهی به سیاست خارجی مؤثر می باشند و بدون درک و شناخت این عوامل نمی توان به تجزیه و تحلیل سیاست خارجی یک کشور پرداخت.

بنابراین با توجه به گستردگی عوامل مورد بحث، در این تحقیق تنها به بررسی عوامل داخلی مؤثر بر سیاست خارجی خاتمی پرداخته ایم و مطالعه ی عوامل بین المللی را به مجالی دیگر واگذار می کنیم. سؤال اصلی که سبب شکل گیری این تحقیق گردید از این قرار است که «چه شرایط و عوامل داخلی در ایران بر سیاست خارجی خاتمی در دوران هشت ساله ی ریاست جمهوری، مؤثر بوده است؟» البته این تحقیق پاسخگوی سؤالات فرعی زیر نیز می باشد:

— ساختار سیاسی ایران در دوران ریاست جمهوری خاتمی دارای چه ویژگیهایی بوده است؟

— ویژگیهای فردی - شخصی مقامات تصمیم گیر چگونه تصمیمات سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر قرار می دهد؟

— تصمیمات سیاست خارجی کشور چگونه و در قالب چه نهادهایی اتخاذ

می شوند؟

فرضیه‌ی تحقیق از این قرار است که: «عوامل داخلی همچون، عوامل فردی، نقشی، حکومتی و ساختار تصمیم‌گیری نقش مهمی در شکل‌دهی به جهت‌گیریهای سیاست خارجی خاتمی داشته است». در این پژوهش از روش‌های تحلیلی-تیینی برای تجزیه و تحلیل مطالب و از روش کتابخانه‌ای و منابعی مانند کتابها، مجلات و مقالات اینترنتی برای جمع‌آوری مطالب استفاده می‌شود.

این تحقیق در برگزیده‌ی دو فصل کلی است. در فصل نخست پس از ارائه‌ی چارچوب نظری، به جهت‌گیریهای سیاست خارجی خاتمی پرداخته می‌شود. در فصل دوم نیز تأثیر عوامل داخلی، همچون عوامل فردی-شخصی، نقشی-نهادی، حکومتی، اجتماعی، و ماهیت نظام جمهوری اسلامی بر سیاست خارجی خاتمی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

فصل اول: رهیافت خرد و سیاست خارجی خاتمی

الف) چارچوب متدولوژیکی و تئوریکی بحث:

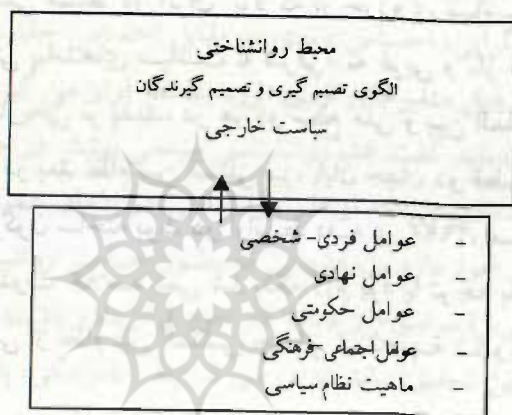
به طور کلی تلاشهای مربوط به نظریه پردازی در سیاست خارجی را می‌توان از لحاظ متدولوژیکی تحت سه رهیافت کلی طبقه‌بندی کرد: (۱) رهیافت کلان‌نظام؛ که به نقش کل نظام بین‌الملل اشاره دارد (۲) رهیافت خرد نظام؛ که کشور را مهمترین واحد اقدام در نظام بین‌المللی می‌داند و (۳) رهیافت اتصال دو سطح کلان و خرد؛ که معتقد به اهمیت هر دو دسته عوامل داخلی و خارجی در شکل‌دهی به سیاست خارجی است. اگر چه هر یک از رهیافتهای فوق به لحاظ علمی دارای ارزش بوده و بخشی از مسائل سیاست خارجی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند، اما از آنجا که به نظر پژوهشگر حاضر عوامل و فاکتورهای داخلی به شکل اهداف، ساختارها، نقشها و ... موجب حرکت آغازین سیاست خارجی می‌گردند، لذا در این تحقیق از رهیافت خرد نظام برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی خاتمی استفاده گردیده است.

نظریه پردازان رهیافت خرد معتقدند رفتار سیاست خارجی کشورها عمدتاً تابعی از عوامل و عناصر داخلی است. البته پیروان این رهیافت متدولوژیک، خود به دو گروه عینی گرا و ذهنی گرا تقسیم می شوند: دسته ی اول عملکرد و رفتار سیاست خارجی کشور را تابع مقتضیات داخلی و محیط استقرار هر واحد خاص جغرافیایی به حساب می آورند. دسته ی دیگر این رهیافت فکری را نظریه پردازان تصمیم گیری تشکیل می دهند که به پویای تصمیم گیری توجه نموده و اثرات آن را بر شکل گیری، اخذ و اجرای تصمیم مورد بررسی قرار می دهند.

روزنا^۱ در زمره ی پرکارترین دانشمندانی است که مسأله ی روش مطالعه ی سیاست خارجی را وجهه ی همت خود قرار داده است. او سعی نموده است چارچوبی تحلیلی برای ارزیابی سیاست خارجی ارائه دهد. روزنا در طرح «پیش تئوری» خود سعی نموده است زمینه را برای نوعی تبیین علی در سیاست خارجی فراهم کند. وی معتقد است که عوامل داخلی (فرد، نقش، حکومت و اجتماع) به طور غیر مستقل و اتصالی بر منش رفتاری سیاست خارجی تأثیر می گذارند. البته اندیشمندان دیگری نیز به بررسی سطح خرد در مطالعات سیاست خارجی پرداخته اند اما به نظر می رسد هر یک از این اندیشمندان با پرداختن به یک یا چند عامل محدود داخلی دچار سطحی نگری گردیده اند به عنوان مثال اسنایدر^۲ در مطالعات خود تنها به ذهنیت تصمیم گیران و فرانکل^۳ به اطلاعات، انگاره ها و ارزشها توجه دارند. در ایران نیز سیف زاده با توجه به نقایص طرح روزنا و همچنین تمایز فرهنگی ایران با غرب به ارائه ی «طرح سیستماتیک مفهومی» پرداخته است. در بخش عوامل داخلی این طرح به نقش الگوهای تصمیم گیری و تصمیم گیرندگان سیاست خارجی نیز در کنار دیگر عوامل داخلی مؤثر بر سیاست خارجی (همچون عوامل فردی - شخصی، نقشی - نهادی، حکومتی و اجتماعی) پرداخته شده است (سیف زاده، ۱۳۸۱ صص: ۲۹۵-۳۰۵).

بنابراین تحقیق حاضر، با نظر به تئوری روزنا و همچنین استفاده از طرح سیستماتیک مفهومی سیف زاده (نمودار شماره ی ۱) به بررسی و تجزیه و تحلیل سیاست خارجی خاتمی پرداخته است. البته لازم به ذکر است که روزنا و سیف زاده در کنار عوامل داخلی، اهمیت عوامل محیط بین المللی را نیز در شکل گیری و اجرای سیاست خارجی مد نظر قرار می دهند که ما به دلیل تمرکز بحث بر سطح خرد، از بررسی این عوامل چشم پوشی نمودیم.

نمودار شماره ی ۱: عوامل داخلی طرح سیستماتیک مفهومی سیف زاده



ب) سیاست خارجی خاتمی

از لحاظ تاریخی، انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ نقطه ی عطفی در سیر تحولات تاریخی جامعه ی معاصر ایران بود که تبعات و پیامدهای قابل توجهی را نیز برای سیاست خارجی کشور در پی داشت. خاتمی که با شعار جامعه ی مدنی و قانون گرایی در داخل و تنش زدایی در صحنه ی بین المللی به میدان مبارزات انتخاباتی وارد شده بود پس از برگزیده شدن به عنوان رئیس جمهور دیدگاه گفتگوی تمدنها را به مثابه ی سر لوحه ی سیاست خارجی کشور مطرح نموده و به دفاع از آن پرداخت. طرح ایده ی گفتگوی تمدنها از سوی خاتمی در شرایطی ارائه می شد که قبلاً و متعاقب فروپاشی نظام دو قطبی و هوبدا شدن ناکارآمدی و نا

بستگی رهیافت های نظری موجود در خصوص تحلیل منازعات بین المللی، ساموئل هانتینگتون، اندیشمند علوم سیاسی آمریکایی، در راستای ارائه ی نوعی پارادایم جانشین برای پارادایم غالب در دوران جنگ سرد، نظریه ی برخورد تمدنها را مطرح ساخته بود (Buttington, 1997: 17، رضانی، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

بر همین اساس رهیافت گفتگوی تمدنها در نگاه نخست به مثابه ی پاسخی منتقدانه تلقی شد که در مقابل نظریه ی برخورد تمدنها مجال ظهور پیدا کرده بود. با این وجود بایستی اذعان داشت که ایده ی مذکور بیش از هر چیز بازتاب نوعی تحول و جابجایی در گفتمان سیاسی مسلط در ایران بود که در حوزه ی سیاست خارجی نیز امکاناتی را جهت بازبینی پیامدهای سیاست نه شرقی - نه غربی و باز تفسیر آن به مقتضای بافت و زمینه ی تاریخی نو پدید، در هر دو سطح ملی و بین المللی، فراهم آورد (نوروزی، ۱۳۸۳: ۲۲۱). در بعد نظام بین المللی نیز، پایان جهان دو قطبی، معادله ی قدرت جهانی را کاملاً دگرگون ساخته بود. در اواسط دهه ی ۱۹۹۰، مشکل ایران دیگر در موازنه ی دو ابر قدرت خلاصه نمی شد بلکه لازم بود با توجه به مقدمات فعلی ملی و محذورات ناشی از نظام بین المللی جهانی شده، به تدوین سیاست خارجی خود بپردازد.

در مواجهه با این چالشها، دولت ایران می بایست ابتکار عملهای متفاوتی را به کار بگذارد. در همین راستا مفاهیم و گفتگوی تمدنها از سوی آقای خاتمی در عرصه ی روابط بین الملل مطرح گردید تا هم بستر مناسبی را برای حل پاره ای از معضلات خارجی فراهم سازد و هم در تحقق اهداف اعلام شده ی سیاست خارجی کشور یعنی تنش زدایی در روابط با سایر کشورها، اصلاح وجهه ی بین المللی، همکاری مؤثر با سازمانهای بین المللی و ارتقاء سطح روابط ایران با کشورهای عضو دو حوزه ی تمدن اسلامی و ایرانی نقش مؤثری ایفا کند. چیزی که از آن در عرصه ی خارجی به «صلح دموکراتیک» تعبیر می شود (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۲۳۵).

فصل دوم: متغیرهای داخلی تأثیرگذار بر سیاست خارجی خاتمی

تحقیق حاضر، با تأکید بر نقش عوامل داخلی در شکل دهی به سیاست خارجی خاتمی، این عوامل را در قالب پنج دسته عوامل فردی-شخصی، نقشی-نهادی، حکومتی، اجتماعی، و ماهیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی طبقه بندی نموده و به بررسی تأثیر آنها بر سیاست خارجی خاتمی پرداخته است.

الف) متغیرهای فردی-شخصی:

این متغیرها به برداشتها، تصورات و ویژگیهای تصمیم گیران مربوط می شود. احتیاط در مقابل بی ملاحظه گی، عصبانیت در مقابل دوران‌اندیشی، عمل گرایی در مقابل آرمان گرایی، احساس برتری در مقابل احساس حقارت و... از جمله مسائلی هستند که در ذیل متغیرهای فردی مورد مطالعه قرار می گیرند (منکی، ۱۳۸۲: ۹۳). البته در مورد ایران باید گفت علم روانشناسی سیاسی بیشتر در حد ذهنی باقی مانده و به دلیل برداشت نادرستی که از علم روانشناسی در اذهان عمومی و نخبگان حکومتی و غیر حکومتی جود دارد پژوهشهایی که بطور خاص روانشناسی سیاسی رهبران و مقامات دولتی را موضوع و هدف کار خود قرار داده باشند، کمتر یافت می شود. بنابراین در این تحقیق بیشتر به بررسی شرایط خانوادگی، پایگاه اجتماعی و گرایشات سیاسی افراد تصمیم گیر و اثرگذار بر سیاست خارجی خاتمی خواهیم پرداخت؛ زیرا خانواده زمینه ساز عضویت انسان در سایر نهادها و عمومی ترین نهادی است که تکیه گاه و محور همه ی روابط اجتماعی فرد است و اعتقاد اکثر جامعه شناسان این است که به خانواده می توان به عنوان با دوام ترین نهاد جامعه نگریست. در مجموع، این امر که شخصیت ها و چهره های ممتاز یک جامعه دارای چه گرایشات و خصوصیات اخلاقی هستند، تحت تأثیر چند عامل مختلف و از آن جمله «جو حاکم بر مناسبات خانوادگی» است (Kaarbo, 1997: 553-81).

همان گونه که در بخشهای گذشته به آن اشاره شد، بر اساس قانون اساسی تدوین سیاست خارجی در جمهوری اسلامی و اجرای آن (در حوزه ی فردی) عمدتاً در

حوزه ی اختیارات مقام رهبری و ریاست جمهوری قرار گرفته است، بنابراین تمرکز این پژوهش در بخش عوامل فردی - شخصی بر مطالعه ی شرایط ، محیط خانوادگی و گرایشات سیاسی رهبری انقلاب و رئیس جمهور خاتمی قرار خواهد داشت.

سید علی خامنه ای فرزند مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جواد حسینی خامنه‌ای، در تیرماه ۱۳۱۸ در خانه ای ۶۰ - ۷۰ متری در محله ی فقیرنشین مشهد چشم به دنیا گشود. پدر ایشان آیت الله حاج سید جواد از مجتهدین و علمای به نام مشهد بود. مادر ایشان، دختر آقا سید هاشم نجف آبادی میردامادی است که از علمای معروف مشهد بود. دوران کودکی سید علی با تربیت پدری سخت گیر و مراقب اما به شدت مهربان و دوست داشتنی و مادری مهربان تر، در نهایت عسرت و تنگدستی با حاصلی از زی طلبگی قرین بود (www. rasanew.com, 1384). او دومین پسر خانواده بود و از چهار سالگی به همراه برادر بزرگش سید محمد به مکتب سپرده شد تا الفبا و قرآن را یاد بگیرند (زندگینامه ی آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۴ب) و پس از مدرسه جدید وارد حوزه علمیه شد و نزد پدر و دیگر اساتید وقت ادبیات و مقدمات را خواند.

ایشان از سال ۱۳۴۱ که در قم حضور داشتند و حرکت انقلابی و اعتراض آمیز امام خمینی علیه سیاستهای محمد رضا شاه پهلوی، آغاز شد، وارد میدان مبارزات سیاسی شدند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همچنان به فعالیت های سیاسی و مذهبی خویش ادامه دادند و به سمتهای مختلفی همچون معاونت وزارت دفاع، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام، ریاست جمهوری و بالاخره مقام رهبری نائل شدند (زندگینامه ی آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۴الف).

به لحاظ دیدگاههای سیاسی معمولاً مقام رهبری در زمره ی نیروهای انقلابی بدون گرایش به چپ یا راست، معرفی می شود. از یک دیدگاه می توان ایشان را بصورت

کلی در زمره ی اصول گرایان به شمار آورد؛ البته بیشتر جریان های سیاسی منتسب به جناح راست با تعریف اصول گرایی به «حفظ اصول و ارزش های اسلامی و انقلابی مانند ولایت پذیری، شهادت طلبی، معنویت گرایی، عدالت خواهی، ساده زیستن، ظلم ستیزی و دفاع از مظلوم و...» خود را در زمره ی اصول گرایان معرفی می کنند، اما مقام رهبری معتقدند:

«اصولگرایی نحله ی یا جریانی در مقابل دیگر جریانهای رایج سیاسی نیست و تقسیم بندی گروهها به اصولگرا و اصلاح طلب و یا اسامی دیگر تقسیم بندی صحیحی نیست چرا که هرکس و هر جریانی که به مبانی انقلاب علاقه مند و پایبند باشد، هر نامی که داشته باشد جزو اصولگرایان است» (محمدی ایروانلو، مرداد ۱۳۸۵).

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی نیز فرزند مرحوم آیت الله سید روح الله خاتمی در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی، در شهر اردکان واقع در استان یزد متولد شدند. پدر ایشان از روحانیون نیک نام و بلند آوازه آن دیار، عالمی فرزانه، فقیهی روشن بین و عارفی مبارز و مردم گرا بود. آن مرحوم موسس مدرسه علمیه اردکان بودند و امامت جمعه شهرستان یزد را بر عهده داشتند. ارزش قائل شدن برای مخاطب، قانونگرایی و توجه به حال مردم، ضدیت با انحصار طلبی و احتیاط در صرف وجوهات شرعی از جمله خصوصیات آیت الله خاتمی بود (جهرمی و پرحلم، ۱۳۸۰: ص: ۶۱-۵۸). در سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱ میلادی) پیش از اخذ دیپلم به شوق تحصیل در علوم و معارف دینی، در حالیکه بخشی از مقدمات را در محضر پدر شان فرا گرفته بودند، رهسپار شهر قم شدند و در همان سالها دیپلم متوسطه را نیز در رشته طبیعی دریافت داشتند.

سید محمد خاتمی ضمن حضور در مبارزات سیاسی حوزه در سالهای ۴۱ و ۴۲ به مدت چهار سال تحصیل در حوزه علمیه قم مقدمات و سطح را فرا گرفته و در سال

۱۳۴۴ هجری شمسی (۱۹۶۵ میلادی) برای تحصیل در رشته فلسفه به دانشکده ادبیات اصفهان راه یافتند و همزمان با آن، سطوح عالی علوم دینی را در حوزه علمیه اصفهان ادامه دادند.

در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی (۱۹۶۹ میلادی) با درجه کارشناسی از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شده و در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی (۱۹۷۰ میلادی) در دوره کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه تهران پذیرفته شدند و به ادامه تحصیل پرداختند و سپس به شهرستان قم بازگشتند و طی چندین سال اقامت، مراحل دروس خارج فقه و اصول و دوره عالی فلسفه را در محضر آیات عظام و استادانی چون مرتضی حائری یزدی، وحید خراسانی، سید موسی شبیری زنجانی، شهید مرتضی مطهری (قده) و عبدالله جوادی آملی گذراندند (زندگینامه ی سید محمد خاتمی، ۱۳۸۵).

همچنین مسئولیتهای ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز بیشتر در رابطه با مسائل فرهنگی، اجتماعی، همچون ریاست مرکز اسلامی هامبورگ، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در کابینه آقای مهندس میر حسین موسوی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در کابینه آقای هاشمی رفسنجانی، مشاور رئیس جمهور و رئیس کتابخانه ملی ایران بود که دغدغه ی ذهنی اصلی ایشان به حساب می آمد (زندگینامه ی سید محمد خاتمی، ۱۳۸۵).

به طور کلی موضع، افکار و اندیشه ی خاتمی در داخل کشور از ویژگی اعتدال، ملایمت، نرمش در رویاروی با مسائل مختلف، اعتقاد به تضارب اندیشه ها و بحث و گفتگو برخوردار است و در برخورد با مسائل خارجی، به دلیل مطالعات عمیق وی در زمینه های فلسفی و سیاسی و آشنایی نزدیک با فرهنگ مغرب زمین، موضع ایشان از صلابتی متین برخوردار است و بر این باور است که در بحث و گفتگوی تمدنها، باید از آراء، اندیشه و عقلانیت بهره برد. (جهرمی و برحلم، ۱۳۸۰: ۱۱۶).

شاید بتوان سید محمد خاتمی را به لحاظ تفکرات و جهت گیری های سیاسی به جناح چپ مدرن نسبت داد که یک جریان نوپا و تازه در عرصه ی سیاسی و اجتماعی ایران است. چپ مدرن با تند روی و دولتی شدن صرف امور، خشونت و

سرکوب مخالف است. اگر ویژگی دولت در طیف چپ سستی را «دولت سرکوبگر» ترجمه کنیم، ویژگی دولت از نظر چپ مدرن یک «دولت مقتدر و کارا» است (تاج زاده، مرداد ۱۳۷۰). چپ مدرن اهمیت زیادی به تبادل فرهنگی و تقویت بسترها و زیرساختهای فرهنگی، حفظ و تقویت هویت دینی و ملی برای ایجاد مصونیت اجتماعی در برابر تهاجم و ایجاد زمینه ی اندیشه سازی می دهد. چنانکه خاتمی در این زمینه معتقد است: «بزرگترین ظلم به جامعه، محروم کردن آن جامعه از آراء و افکار افراد خود آن جامعه است، که در نهایت جامعه را به ورطه ی استبداد می کشاند» (روزنامه ی سلام، فروردین ۱۳۷۶).

چپ مدرن، در بعد سیاسی به مشارکت سیاسی مردم در قالب نهادهای مدنی و احزاب سیاسی می نگرد و بیش از سایر طیفها بر عنصر «جمهوریت» تأکید دارد (انصاری راد، ۱۳۸۱). در زمینه ی سیاست خارجی نیز معتقد به کاهش تنشها و تنوع در گسترش روابط با دیگر کشورها می باشد. پایگاه اجتماعی این جریان را باید در طبقات متوسط، دانشجویان و اقشار مذهبی و بخشهایی از روحانیون و روشنفکران مذهبی دانست (ظریفی نیا، ۱۳۷۸ ص: ۱۲۶-۱۲۲).

خاتمی با گرایش به این جریان، معتقد به نقد و نقد پذیری است و در این راه به دو نوع نقد توجه دارد: نقد سستهایی که به جای دین نشسته اند و دیگری نقد غرب، و نه نفی آن. وی همچنین با رشد و گسترش فضای مطبوعاتی و پذیرش تنوع فکری و سیاسی موافق است و به قانون اساسی به عنوان میثاق ملی و مبنای رفتار سیاسی، اجتماعی، حقوقی و تعیین کننده ی حقوق و مسئولیتهای همه ی ارکان نظام می نگرد. در تبادل فرهنگی معتقد است که باید از سایر فرهنگها اقتباس کرد و در عین حال، از سر خود باوری نباید شیفته و مجذوب آن گردید (Fairbank, May, 26 1997). واقعیت این است که خاتمی سیاستمداری است که نگرشی متفاوت به سیاست و دین دارد. در اندیشه ی سیاسی خاتمی «اسلام» بی آنکه خصلت اصلی خود را از دست بدهد، ابزار طرح بندی چندین موقعیت و شرایط می شود. سلاحش نه سخت افزار نظامی بلکه

نرم افزار فکری است، سیاست را هم‌نشین دیانت کرده، هر دو را بر سیمای عرفانی تزئین نموده و هر سه را در کنش اجتماعی در منزلت تئوری راهنمای عمل نشانده است (تاجیک، ۱۳۸۳، ص: ۲۶۴).

ب) متغیرهای نقشی - نهادی

در این بخش از تحقیق به بررسی عامل «نقش» در سیاست گذاری خارجی خاتمی می پردازیم. منظور از نقش، تصویری است که یک دولت، حکومت، نهاد و یا یک فرد می پندارد که باید بر اساس آن عمل کند. نقش به ویژگیهای رفتاری تعریف می شود که ناشی از مسئولیتهای سیاست گذاری یک بازیگر است و هر فردی که در چنین جایگاهی قرار بگیرد، از او نیز رفتار مشابهی انتظار می رود. ب عبارت دیگر می توان نقش را تعاملی بین فرد و نظام سیاسی دانست و انتظاراتی که نظام مزبور از فرد دارد. موقعیت فرد در درون حکومت عاملی است که در فرایند سیاست خارجی بسیار حائز اهمیت است.

جایگاه فرد در ساختار حکومتی و وظایف، مسئولیتهای و وفاداریهایی که بر اساس این جایگاه از او انتظار می رود، بر تصورات فرد از جهان و تصمیم گیری های او در عرصه ی سیاست خارجی تأثیر می گذارد. هر چند نقش ممکن است حیطه ی عمل فرد را محدود کند ولی معمولاً بر اساس صفات شخصیتی فرد، برداشت و ایفا می شود (راست و استار، ۱۳۸۱، ص: ۳۵۶-۳۳۱).

در رابطه با نقشهای مؤثر در سیاست گذاری خارجی دولت خاتمی همانگونه که در بخش تصمیم گیران اصلی سیاست خارجی اشاره شد، نهادهای متعددی اثر گذار هستند که از بین آنها نهاد های رهبری و ریاست جمهوری واجد اهمیت و تأثیر بیشتری هستند. لذا در این بخش تنها به بررسی وظایف و مسئولیتهای این نقشها بر اساس قانون اساسی خواهیم پرداخت.

مقام رهبری بلند پایه ترین مقام کشور است که پس از انتخاب توسط مجلس خبرگان، ولایت امر و همه ی مسئولیتهای ناشی از آن را بر عهده می گیرد. موارد زیر

از جمله وظایف و اختیارات مقام رهبری است که مستفاد از اصول ۱۰۷ و ۱۱۰ قانون اساسی می باشد و در ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با سیاست خارجی می باشد:

۱. تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام

۲. نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام

۳. صدور فرمان همه پرسی

۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح

۵. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها

۶. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه.

۸. حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص

مصلحت نظام

۹. تفیذ حکم ریاست جمهوری بعد از انتخاب مردم

۱۰. عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی

کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم.

پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت

اجرای قانون اساسی و ریاست قوه ی مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود، بر عهده دارد (اصل ۱۱۳ قانون اساسی). وظایف و اختیارات رئیس

جمهور در حوزه ی تدوین و اجرای سیاست خارجی طبق اصول متعدد قانون اساسی به شرح زیر است :

رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه ی همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد

(اصل ۱۲۲)

امضای عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، موافقتنامه ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی (اصل ۱۲۵)

مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور (اصل ۱۲۶)
عزل و نصب وزرا و معرفی آنها به مجلس برای گرفتن رأی اعتماد (اصل ۱۳۳)
ریاست هیأت وزیران و نظارت بر کار وزیران (اصل ۱۳۴)
رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد، در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است (اصل ۱۲۲).

ج) عوامل حکومتی:

در قسمت قبلی به دو نهاد اصلی تصمیم گیری در حوزه ی سیاست خارجی، یعنی نهاد رهبری و نهاد ریاست جمهوری، اشاره شد. در این قسمت به دیگر نهادهای رسمی و حکومتی، مانند مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیأت دولت، وزارت امور خارجه و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در تدوین و اجرای سیاست خارجی نقش دارند پرداخته می شود.

مجلس شورای اسلامی عالی ترین نهاد قانون گذاری کشور هست که در عموم مسائل، در حدود مقرر در قانون اساسی و با رعایت موازین شرع و اصول قانون اساسی می تواند وضع قانون نماید. مجلس از طریق تصویب کلیه ی عهد نامه ها، مقاوله نامه ها و موافقتنامه های بین المللی در سیاست خارجی دخالت می نماید. همچنین هر گونه تغییر جزئی در خطوط مرزی، ارجاع به داوری، دریافت و یا اعطای وام و استخدام کارشناسان خارجی به عهده ی مجلس شورای اسلامی است. شورای نگهبان نیز با اختیاراتی که اصول ۹۴ و ۹۶ قانون اساسی در تأیید نهایی مصوبات مجلس شورای اسلامی به آن داده، مسئولیت تطبیق قوانین مصوب مجلس را با قانون اساسی و شرع دارد و می تواند در کنترل سیاست خارجی نقش ایفا نماید (ایزدی، ۱۳۷۱ ص: ۱۲۰-۱۰۷).

جایگاه و گرایش‌های سیاسی نمایندگان مجلس می‌تواند تأثیر بسزایی در تصویب و یا رد لوایح و قراردادهای مورد نظر دولت و همچنین قوانین جدید مؤثر بر عملکرد دولت داشته باشد. اما در رابطه با نقش سیاسی این نهاد قانونگذار در دولت خاتمی باید گفت دولت خاتمی سه دوره از مجلس شورای اسلامی را همراهی نمود: مجلس پنجم از ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ با اکثریت محافظه کار و به ریاست رقیب انتخاباتی خاتمی، ناطق نوری، مجلس ششم از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳، با اکثریت قاطع نمایندگان اصلاح طلب، و جبهه مشارکت (حزب همسو با دولت خاتمی)، به ریاست آقای مهدی کروبی، و بالاخره مجلس هفتم از سال ۱۳۸۳ به بعد، با اکثریت اصول‌گرایان و با ریاست حداد عادل.

مجمع تشخیص مصلحت نظام گرچه به عنوان بازوی مشورتی رهبری شناخته شده است، اما در تدوین سیاست‌های کلی نظام و همچنین اظهار نظر در مواردی که اختلاف نظر مابین مجلس و شورای نگهبان رفع نمی‌شود، اهمیت دارد. شورای عالی امنیت ملی، به ریاست رئیس‌جمهور، نیز بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی وظایف تعیین سیاست‌های دفاعی-امنیتی کشور، هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی را به عهده دارد. بخش عمده‌ای از وظایف شورای عالی امنیت ملی در محدوده‌ی روابط خارجی کشور می‌باشد.

هر چند که قوه‌ی قضائیه مستقیماً در تصمیم‌گیری سیاست خارجی دخیل نیست، اما در در بخش حضور این قوه پررنگ می‌شود. اول موارد مربوط به تحولات قضایی کشور و الزام وزارت امور خارجه به پاسخگویی در برابر نهادهای حقوق بشری مانند کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و یا کمیته‌ی حقوق بشر مستقر در ژنو است. دوم قوه‌ی قضائیه با داشتن دو بازوی نظارتی یعنی دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور بر فعالیت‌های وزارت امور خارجه نیز نظارت می‌نماید (نیرآبادی، ۱۳۷۵: ۱۷۴).

علاوه بر نهادهای حکومتی فوق‌الذکر، سیاست کلی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی به صورت مصوبات و یا دستورالعمل‌های رهبری از طریق هیأت وزیران و با توجه به

مسئولیت‌های هر یک از وزارتخانه‌ها به مرحله‌ی اجرای آن می‌آید. برنامه‌ای را که دولت در آغاز فعالیت خود به مجلس ارائه می‌دهد و همه ساله از طریق تدوین بودجه‌ی کلی کشور و ارائه‌ی برنامه‌های اجرایی نقش مهمی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی به عهده دارد. مخصوصاً با اهرمهایی که دولت در اختیار دارد از جمله اعمال سیاستهای صادراتی خاص، تقویت قدرت نظامی و... مستقیماً و یا غیر مستقیم جهت و شکل سیاست خارجی را تعیین می‌کند. برقراری و یا قطع روابط دیپلماتیک و همچنین کاهش و گسترش روابط با کشورهای دیگر نیز از جمله اختیارات قوه‌ی مجریه است. یکی دیگر از نهادهای اصلی مرتبط با سیاست خارجی، برابر قانون شرح وظایف وزارت امور خارجه، مصوب ۲۰ فروردین ۱۳۶۴، وزارت امور خارجه است که عهده دار اجرای سیاست خارجی است. لیکن نقش این وزارتخانه به دو دلیل از صرف اجرای سیاست خارجی بالاتر می‌رود. نخست آنکه در اکثر مراجع تصمیم‌گیری همچون شورای عالی امنیت ملی و هیأت دولت، وزیر امور خارجه عضویت داشته و در مراجع دیگر مانند مجلس شورای اسلامی و یا مجمع تشخیص مصلحت موضوعات مختلف حسب مورد با حضور نماینده‌ای از وزارت خارجه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. دوم آنکه، در برخی از اوقات حادثه‌ی پیش آمده به قدری سریع و غیر مترقبه است که نمایندگی‌ها و مرکز وزارت خارجه نمی‌توانند منتظر گردش کار در فضای بروکراتیک تصمیم‌گیری وزارت خارجه گردند. در این گونه اوقات، وزیر امور خارجه راساً تصمیم گرفته و سپس مراتب را به مقامات دیگر گزارش می‌دهد. از این گذشته، آنچه که در حوزه‌ی مسئولیت وزارت امور خارجه قرار دارد، امر کنترل، نظارت، ایجاد ارتباط و تأمین نمایندگی‌ها و همچنین تهیه و جمع‌آوری اطلاعات برای تصمیم‌گیرندگان و مجریان سیاست خارجی می‌باشد. (ملکی، ۱۳۸۲ ص: ۱۰۲-۱۰۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

یکی دیگر از کانالهای غیر رسمی تصمیم‌گیری در حوزه‌ی سیاست خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هست که در جهت دهی به سیاست خارجی ایران نقش مهمی دارد و به دلیل رسالتی که بنابر قانون اساسی و انگیزه‌ی نخستین تاسیس سپاه جهت

حفاظت از انقلاب برای خویش قائل هست، از طریق کانالهای گوناگونی در مسائل سیاست خارجی دخالت می کند. این نهاد نظامی رسماً از طریق عضویت فرماندهان خود در شورای عالی امنیت ملی به تأثیر گذاری در مسائل سیاست خارجی می پردازد و با تعیین سیاستهای دفاعی کشور، دیدگاههای خود را در این عرصه اعلام می دارد. علاوه بر کانالهای فوق، سپاه پاسداران با اعلام دیدگاههای خود در جلسات مشورتی با رهبری انقلاب و دفتر ریاست جمهوری و شرکت در نشست های کمیته های امنیتی و سیاست خارجی مجلس بصورت غیر رسمی در سیاست خارجی ایران نقش مهمی را ایفا می کند. وزیر دفاع ایران در دوره ی خاتمی، علی شمخانی، نیز تلاش می کرد تا بین دفتر ریاست جمهوری و نیروهای نظامی در مسائل مربوط به سیاست خارجی هماهنگی های لازم را ایجاد نماید (Nourbakhsh, April, 18, 2005).

د) عوامل اجتماعی-فرهنگی

در جمهوری اسلامی ایران علاوه بر نهادهای رسمی، گروههای سیاسی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی ای وجود دارند که در اعمال سیاستهای متخذه ی ارگانهای رسمی، ذی نفوذ بوده و عکس العمل نشان می دهند. از جمله می توان از نقش رسانه ها، بیوت آیات عظام، ائمه ی جمعه، مجمع روحانیون مبارز، جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، بازار، انجمنهای اسلامی و نهادهای انقلابی نام برد. (محمدی، ۱۳۷۷: ۹۲). البته با وجود اذعان به اهمیت نقش نهادها و گروههای مزبور، به دلیل ماهیت پنهانی و غیر مستقیم این مداخلات و نبود اطلاعات کافی و شفاف در این زمینه، در این مبحث به صورت گذرا و مختصر به مطالعه ی برخی منابع غیر رسمی تصمیم گیری، نظیر رسانه ها، ائمه ی جمعه و احزاب، در سیاست خارجی می پردازیم.

رسانه ها شاید تأثیر مستقیمی بر تصمیم گیری های سیاست خارجی نداشته باشند اما از طریق گزارش و بیان عملکرد مسئولان، نقد تصمیمات اتخاذ شده و جو سازی در جامعه، به عنوان یک اهرم نفوذ قدرتمند در تصمیم گیری های دولت و و پیچیده تر شدن فرایند تصمیم گیری، عمل می کنند. در دولت خاتمی نیز رسانه ها، بخصوص

روزنامه‌ها و نشریات بطور غیر مستقیم بر سیاست خارجی تأثیری گذاشتند (پورعزیزی، ۱۳۸۴/۴/۴). از یکسو رسانه‌های تحت نفوذ محافظه‌کاران، همچون کیهان، رسالت و جمهوری اسلامی با انتقاد از سیاستهای دولت سعی در تعدیل و یا تغییر رفتارهای دولت در هر دو عرصه‌ی سیاست داخلی و خارجی داشتند، از سوی دیگر رسانه‌های اصلاح طلب و هماهنگ با دولت همچون سلام، اعتماد، و آفتاب یزد با تشویق دولت به ادامه و پیگیری اهداف و رویکردهای خود، سعی در توجیه و تقویت مواضع دولت و همسو نمودن افکار عمومی با این سیاستها داشتند. این رسانه‌ها تأثیر زیادی در کنکاش و مذاقه‌ی سیاست خارجی داشتند و می‌کوشیدند تا دولت را از برخوردهای تند، مقابله‌جویانه و با شدت، باز دارند. به عنوان مثال در ماجرای برخورد ایران با شهادت دیپلماتهای ایرانی در افغانستان، برخی از این روزنامه‌ها، سیاست مقابله‌جویانه را رد کرده و دولت را از انجام آن نهی کردند. این امر در نهایت بر دیدگاه تصمیم‌گیرندگان تأثیر گذاشت (دهشیری، ۱۳۷۸ : ۸۳). امامان جمعه و بطور کلی ستادهای نماز جمعه بویژه نماز جمعه‌ی تهران به عنوان یکی از تریبون‌های رسمی حاکمیت ایران نیز همواره کارکردی مهم در تبیین و یا نقد سیاستهای دولت داشته‌اند و با بیان مواضع خویش، که حتی گاهی در تضاد با سیاستهای رسمی و اعلام شده توسط دولت قرارداشتند، بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی مؤثر بوده‌اند (Nourbakhsh, April, 18, 2005).

در رابطه با کارکرد احزاب و گروههای سیاسی باید گفت هر چند با روی کار آمدن دولت خاتمی، این نهادها به لحاظ کمی رشد روزافزونی داشته‌اند، اما این گروه بندی‌های سیاسی را نمی‌توان حزب نامید، زیرا آنها به دلیل فقدان وفاق ملی نسبت به اهداف و نداشتن سیاستهای دراز مدت، چندان در عضوگیری موفق نبوده و گاه سازمان آنها به همان اعضای مؤسس محدود مانده است. نکته‌ی دیگر آنکه، وضعیت شکل‌گیری احزاب بگونه‌ای است که آنها تابعی از اهداف و خواسته‌های حکومت است و

احزاب بیشتر جنبه ی نمادی و صوری دارند تا زمینه ساز اعمال حاکمیت مردم. در نتیجه مشارکت موجود نیز عمدتاً منفعلانه است نه فعالانه (سیف زاده، ۱۳۸۴ ص: ۱۳۲-۱۱۶).

د) ماهیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران

نظر به اهمیت ماهیت نظام سیاسی یک کشور بر جهت گیری سیاست خارجی در این قسمت به بررسی تأثیر این عامل در دوران خاتمی خواهیم پرداخت. طبیعت عمومی ساختار قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران تشابهات زیادی با دیگر کشورها دارد، اما دارای ظرفیتهای و پیچیدگیهایی نیز هست که توجه و مذاقه ی بیشتری را می طلبد. از یکسو، فلسفه ی حکومت در ایران با دیگر کشورها از لحاظ شکلی مشترک است. قدرت حکومتی در ایران به سه بخش قوای مقننه، مجریه و قضائیه تقسیم شده است. از سوی دیگر، پروسه ی سیاسی در ایران دارای ساختار و سلسله مراتب خاص خود است که در این قسمت به آنها خواهیم پرداخت.

در نظام پارلمانی در ایران، ۲۹۰ نماینده ی مجلس برای چهار سال به وسیله ی مردم برگزیده می شوند. رئیس جمهور نیز توسط مردم و برای مدت چهار سال انتخاب می شود و یک شخص حداکثر دوبار به صورت متوالی می تواند تصدی این پست را بر عهده بگیرد. رئیس جمهور به عنوان رئیس اجرایی حکومت، مسئولیت مدیریت همه ی امور جاری کشور را داراست. رئیس جمهور ۲۲ وزیر را به پارلمان پیشنهاد می نماید. وزرا به صورت مستقیم در برابر مجلس پاسخگو هستند.

اما آنچه که در نظام ایران متفاوت است، محتوای اسلامی آن است که در اصول مختلف قانون اساسی بر آن تأکید شده است. ۸۶ نفر از علمای اسلامی توسط مردم به عنوان اعضای مجلس خبرگان به مدت ۸ سال انتخاب می شوند. سپس این نهاد، رهبر انقلاب اسلامی را انتخاب کرده و در طول دوره نسبت به عملکرد او نظارت می نمایند. رهبر انقلاب رئیس قوه ی قضائیه را منصوب می نماید که کلیه ی دادگاههای عمومی، انقلاب و نظامی را زیر نظر دارد. رهبری وظایف گسترده ی دیگری نیز بر عهده دارد که

به دلیل پرداختن به آنها در قسمت عوامل نقشی - نهادی، از بیان مجدد آنها خودداری می‌کنیم.

در نظام سیاسی جمهوری اسلامی به عنوان نظامی پیچیده در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دو نوع ساختار تصمیم گیری مشاهده می‌شود. یکی ساختار رسمی تصمیم گیری که در قانون اساسی و قوانین جاریه ی کشور، سازمانها و مقامات تصمیم گیرنده را مشخص ساخته و حدود اختیارات آنها را نیز تعیین کرده است. دوم، ساختار غیر رسمی، از قبیل افکار عمومی، احزاب سیاسی، مطبوعات و آنچه را که در اصطلاح سیاسی به گروههای ذی نفوذ و فشار معروف هستند و به خاطر منافع گروهی خود و نفوذ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که دارند به طرق مختلف در پروسه ی تصمیم گیری دخالت می‌کنند و تصمیمات متخذه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همان گونه که بررسی ساختار سیاسی ایران نشان می‌دهد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نتیجه ی تعامل پیچیده و چند سطحی ما بین بازیگران حکومتی و غیر حکومتی است، اما در باب کارآمدی این فرایند پیچیده نظرات گوناگونی وجود دارد. برخی از صاحب نظران با پذیرش و تأیید وضع موجود معتقدند: وجود مراکز و نهادهایی مانند رهبری، ریاست جمهوری، شورای عالی امنیت ملی، مجلس شورای اسلامی و وزارت امور خارجه به کشور این امکان را داده است که خط مشی سیاست خارجی خود را با عنایت به رسالت انقلاب اسلامی، اصول و اهداف نظام، به گونه ای انتخاب نماید که با توجه به ترنایهای کشور، حداکثر شانس موفقیت را داشته باشد (ملکی، ۱۳۸۲ ص: ۹۹-۹۸).

از دیگر سو گروهی را اعتقاد بر آن است که گستردگی و پیچیدگی این ساختار عریض و طویل، سبب طولانی شدن فرایند تصمیم گیری، تضعیف قدرت و جایگاه رئیس جمهور و مداخله ی گروههای غیر مسئول در سیاست خارجی ایران گردیده است. بطور کلی به نظر می‌رسد ساختار حکومتی ایران بر اساس قانون اساسی

ساختاری است که ضمن حفظ ماهیت دینی خود ظرفیت‌هایی برای استقرار دموکراسی در آن فراهم است.

نتیجه گیری

در این تحقیق به بررسی عوامل متعدد داخلی در قالب متغیرهای فردی- شخصی، نقشی- نهادی، حکومتی و اجتماعی و ماهیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی و میزان تأثیر گذاری این عوامل بر سیاست خارجی خاتمی پرداختیم.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که در سیاست خارجی ایران که در قالب ساختارها و نهادهای اداری و کارگزاریها و سازمانهای تخصصی نهادینه نشده است، خلق و خو و نوع ساختار ذهنی رهبران و تصمیم گیران اصلی تأثیر بسزایی داشته و حتی موجب گردیده است که سیاست خارجی تحت تأثیر افراد و ویژگیهای شخصیتی آنها، تا حدی ماهیت فردی و شخصی پیدا کند؛ چنانکه شاهد هستیم که روی کار آمدن سید محمد خاتمی با شخصیتی فرهنگی، با گرایش سیاسی چپ مدرن و از خانواده ای مذهبی و آزاد اندیش و همچنین ترکیب سیاسی مجلس ششم که با گرایشات سیاسی - فرهنگی رئیس جمهور همخوانی داشت، به سیاست خارجی ایران نیز صبغه ای فرهنگی و صلح جویانه بخشید. سیاست تنش زدایی، گفتگوی تمدنها و ائتلاف برای صلح از جمله شاخصهای فرهنگ محور شدن سیاست خارجی ایران در این دوران است.

از سوی دیگر با توجه به خانواده ی مذهبی، جهتگیریها و گرایشات سیاسی مقام رهبری و نقش برجسته ی ایشان در تعیین اولویتهای سیاست خارجی کشور، در دوران خاتمی نیز شاهد حفظ سیاستهای کلی نظام در عرصه ی سیاست خارجی بودیم. در رابطه با تأثیر متغیرهای نقشی - نهادی بر سیاست خارجی نیز باید گفت با توجه به نقش و جایگاهی که در قانون اساسی ایران برای رئیس جمهور تعریف شده است، دولت خاتمی نتوانست مطابق با شعارها و سیاستهای اعلامی خود، تغییرات اساسی در سیاست خارجی ایران ایجاد کند؛ بنحوی که برخی تحلیلگران معتقد به وجود نوعی تناقض در سیاست خارجی کشور در دوران خاتمی هستند. جهتگیریهای ایران در نزاع بین

اعراب و اسرائیل و همچنین ادامه ی روابط خصمانه با آمریکا، علی رغم شعار تنش زدایی و گفتگوی تمدنهای خاتمی نمونه هایی از محدودیتهای نقشی وی در حوزه ی سیاست خارجی را به نمایش می گذارند.

تلاش خاتمی برای اصلاح و توسعه ی فرهنگ سیاسی در ایران و تأکید وی بر جامعه ی مدنی و قانون گرایی نیز تأثیرات شگرفی در سیاست خارجی وی داشت. این مسأله سبب شد تا از یکسو خاتمی و اعضای دولت او در حوزه ی سیاست خارجی نیز با تقویت ایستارهای صلح آمیز و همکاری جویانه، به مشارکت فعال و آگاهانه در محافل بین المللی و حرکت در جهت وابستگی متقابل و گفتگوی بین تمدنی بپردازند و از سوی دیگر سایر بازیگران نظام بین الملل نیز متأثر از رفتار و جهتگیریهای دولت خاتمی، تمایل خود را برای افزایش و تقویت مناسبات با ایران نشان دهند؛ که این امر نیز خود نشان از تأثیر عوامل داخلی در بهبود وجهه و افزایش پرستیژ ایران در سطح نظام بین الملل دارد. در کنار این عوامل، عملکردهای برخی نهادها و گروهها نیز تأثیر منفی خود را بر جهت گیریهای سیاست خارجی خاتمی به جای می گذاشتند.

تعدد مراکز تصمیم گیری در سیاست خارجی نیز از دیگر عوامل داخلی است که سیاست خارجی خاتمی را تحت تأثیر قرار می داد. به رغم تعریف و تعیین ساختار تصمیم گیری سیاست خارجی در قانون اساسی، عدم شکل گیری یک ساختار تصمیم گیری فرا گیر که در چارچوب آن جایگاه و نقش هر یک از نهادها، کارگزارها و افراد مشخص و معین شده باشد، سبب بروز نابسامانیهایی در سیاست خارجی کشور می گشت. همانگونه که ذکر آن رفت در ساختار تصمیم گیری ایران، مراکز متعددی مانند شورای عالی امنیت ملی، وزارت خارجه، و نهاد ریاست جمهوری هر کدام به نوبه ی خود نقش مهمی را در تدوین و اجرای سیاست خارجی داشته اند که این امر در برخی مواقع سبب ایجاد برون دادهای مختلف و متعارض و حتی ناکارآمدی سیاست خارجی خاتمی می گردید.

فهرست منابع و مآخذ

- انصاری راد، حسین. (۱۳۸۱). "معیار تعریف جناح‌های سیاسی". www.meisami.com تاریخ مراجعه: ۱۳۸۵/۸/۴.
- ایزدی، بیژن. (۱۳۷۱). "سیاست خارجی جمهوری ا.ا". تهران: مرکز انتشارات حوزه ی علمیه ی قم.
- پورعزیزی، سعید. (۱۳۸۴/۴/۴). "خاطراتی از آموزگار بزرگ ادب و شکیبایی". سایت خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا). www.isna.ir تاریخ مراجعه: ۱۳۸۵/۲/۳.
- تاج زاده، سید مصطفی. (مرداد ۱۳۸۰). "سخنرانی در اردوی دفتر تحکیم وحدت". تبریز.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۳). "سیاست خارجی، عرصه ی فقدان تصمیم و تدبیر". تهران: فرهنگ گفتمان.
- جهرمی، محمدرسول. پرحلم، امیررضا. (۱۳۸۰). "خاتمیها". تهران: دادار.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۷۸). "توسعه ی سیاسی و سیاست خارجی". از کتاب خاک ی فیروز، مهدی (تدوین)، توسعه ی سیاسی (ص: ۷۷-۸۲). تهران: قطره.
- راست، بروس. استار، هاروی. (۱۳۸۱). "سیاست جهانی، محدودیتها و فرصتهای انتخاب". ترجمه ی علی امیدی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- رضائی، روح الله. (۱۳۸۱). "چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران". ترجمه ی علیرضا طیب. تهران: نی.
- زندگینامه ی آیت الله خامنه ای. (۱۳۸۴ الف) - www.leader.ir
- زندگینامه ی آیت الله خامنه ای. (۱۳۸۴ ب).
- زندگینامه ی سید محمد خاتمی. (۱۳۸۵). www.khatami.ir, 2006.
- سیف زاده، سید حسین. (۱۳۷۶). "مبانی و مدل‌های تصمیم گیری در سیاست خارجی". تهران: وزارت امور خارجه.
- سیف زاده، سید حسین. (پاییز ۱۳۸۴). "سیاست خارجی ایران". تهران: میزان.
- سیف زاده، سید حسین (بهار ۱۳۸۱). "اصول روابط بین الملل (الف و ب)". تهران: میزان.
- ظریفی نیا، حمیدرضا. (۱۳۷۸). "کالبد شکافی جناح‌های سیاسی ایران ۱۳۷۸-۱۳۵۸". تهران: آزادی اندیشه.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷). "سیاست خارجی جمهوری ا.ا اصول و مسائل". تهران: دادگستر.
- ملکی، عباس (۱۳۸۴). "انتخابات نهم و سیاست خارجی". همشهری دیپلماتیک، شماره ی ششم.
- ملکی، عباس (۱۳۸۲). "فرایند تصمیم گیری در سیاست خارجی ایران". راهبرد، شماره ی ۲۷.

- محمدی ایروانلو، علی. (مرداد۱۳۸۵). "اصول‌گرایی و جناح‌های سیاسی نظام". <http://www.fardanews.com> تاریخ مراجعه: ۱۳۸۵/۴/۸.
- نوروزی، نور محمد. (۱۳۸۳). "تحول‌گفتمان سیاسی و پویایی در الگوی کنش سیاست خارجی ایران". راهبرد. شماره ی سی و یکم.
- نیرآبادی، حمید. (۱۳۷۵) "ساختار رسمی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران". تهران: دانشکده ی روابط بین‌الملل وزارت خارجه.
- Buttington. P. Milton. (1997). "Meet Mr. Khatami: The Fifth President of Islamic Republic of Iran. (Ed). Translated by Minoo. R. Buttington, Washangton DC: Middle East Insight.
- Fairbank, Stephen. (May, 26, 1997). "Iran's New Leadership". <http://www.pbs.org>. Retrieved 2/7/2005
- Kaarbo, Juliet;(1997). "Prime Minister Leadership Styles in Foreign Policy Decision Making: A Framework for Research", Political psychology; Vol. 18, No. 3.
- Nourbakhsh, Amir. (April, 18, 2005). "Iran's Foreign Policy and its Key Decision Makers". <http://www.tharwa.project.com>. Retrieved 18, 6, 2005.
- Norbakhsh, Mehdi. (May, 11, 2006). "View Points Analysis: Recurring Failure on Iran". Senter for International Studies. University of St. Thomas. www.fpa.org. Retrieved 22/1/2006.
- Rosenau, James. (1971) "The Scientific Study of Foreign policy". New York: Free Press.
- <http://www.rasanews.Com>. Retrieved 2/9/2005.